

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۷، شماره ۶۴، تابستان ۱۴۰۴، صص ۱۳۸-۱۵۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۶

(مقاله پژوهشی)

DOI:

بررسی داستان پیر چنگی بر اساس نظریه انتخاب گلسر

آناهیتا چیتگرزاده^۱، دکتر نزهت نوحی^۲، دکتر تورج عقدایی^۳، دکتر حسین آریان^۴

چکیده

این پژوهش بر آن است تا به شیوه تحلیلی - توصیفی، الگوی رفتاری دو شخصیت برجسته داستان، پیر چنگی و عمر، را بر مبنای تئوری انتخاب ویلیام گلسر تدوین نماید. ویلیام گلسر (۱۹۲۵-۲۰۱۳) نظریه پرداز امریکایی است که با ارائه نظریه انتخاب سهم مهمی در تغییر روان‌شناسی کنترل بیرونی به کنترل درونی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری، واقعیت‌پذیری و انتخاب ایفا کرد. تئوری انتخاب می‌گوید تمام آنچه از ما سر می‌زند رفتار است و تقریباً تمام رفتارها انتخاب می‌شوند و اینکه ما همواره از سوی ژن‌ها و از درون برانگیخته می‌شویم تا پنج نیاز اساسی خود را برآورده کنیم: نیاز به عشق و احساس تعلق، قدرت و پیشرفت، آزادی، تفریح و بقا. در بررسی و تحلیل این داستان بر مبنای نظریه انتخاب دریافتیم که در فرایند داستان تغییری در دنیای مطلوب هر دو شخصیت داستان ایجاد می‌شود. عمر با واقعیت‌پذیری و پیر چنگی با مسئولیت‌پذیری تجلی جدیدی از یکدیگر و از خداوند در آلبوم تصاویر ذهنی خویش خلق می‌کنند. در عمر مؤلفه قدرت، به عشق و در پیر چنگی مؤلفه بقا، به عشق تبدیل می‌شود. بازخوانی داستان پیر چنگی با بهره‌گیری از «نظریه انتخاب» ما را در درک عمیق‌تر ابعادی دیگر از عالم معنای مورد نظر مولانا یاری می‌دهد.

واژگان کلیدی: مثنوی معنوی، تئوری انتخاب، پیر چنگی، دنیای مطلوب.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

anahita.chitgarzadeh@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسؤل)

nnoohi@iau.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

Dr.aghdaie@gmail.com

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

arian.amir20@gmail.com



مقدمه

مثنوی کتابی است که مولانا به درخواست مرید و معتمد خود حسام‌الدین چلبی به نظم در می‌آورد. مولانا در هجده بیت اول آن که نی‌نامه نامیده می‌شود، برای خواننده نکته‌دان خود شمه‌ای از سفر سخت و جان‌کاه خود را بیان می‌کند و خواننده را با خود در این سلوک عارفانه و عاشقانه همراه می‌کند. مولانا، در مقدمه دفتر اول، مثنوی را «اصولِ اصولِ دین در کشف اسرار و وصول به یقین». ذکر کرده است با چنین توصیفی است که می‌توان گفت که مولانا این انتخاب و اختیار را به خواننده کتابش داده تا با هر نگرشی که می‌خواهد آن را تأویل و تفسیر کند و به قدر فهم و ادراک خود گوشه‌ای از رموز آن را دریابد. رموزی که خاص پاکان است و جز با تجربه نور درون و فنای خویشتن نمی‌توان به آن دست یافت. با مطالعه مثنوی، توصیف متواضعانه مولانا از این کتاب را، که مبانی آن را کوتاه و اندک و معانی آن بلند و پرمایه می‌داند، کامل‌ترین و جامع‌ترین توصیف درباره این کتاب را درمی‌یابیم که هر چه در آن بیشتر تعمق می‌کنیم ابعاد گسترده‌تری از معنا در برابرمان گشوده می‌شود.

یکی از داستان‌های این کتاب، داستان پیر چنگی است که مشابه آن را محمد بن منور در اسرارالتوحید و عطار نیشابوری در مصیبت‌نامه آورده است. مولانا این حکایت را از مآخذ پیش از خود اخذ کرده است اما به گونه‌ای آن را پرورانده و به آن عمق بخشیده که این حکایت با مولانا مشهور شده و شناخته می‌شود. داستان پیر چنگی دارای یک معنی اصلی است و در درون خود معانی بسیاری را جای داده است و از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. پیر چنگ‌نوازی که پس از پیری و فقر تصمیم می‌گیرد تا به گورستان رفته و برای خدا بنوازد. خداوندی که پیام عاشقانه او را درمی‌یابد و در رؤیایی از عمر می‌خواهد تا هفت صد دینار از خزانه برداشته و نزد او برود و ابریشم بهای او را بپردازد. مولانا در این داستان هم‌چون دیگر داستان‌هایش به بیان اندیشه‌های بکر خود می‌پردازد. موضوعی که توجه بسیاری از نقادان از جمله نقد روان‌شناسی را به خود معطوف داشته است.

نقد روان‌شناسانه و خوانش متون از منظر آرای روان‌کاوانه یکی از رویکردهای نوین در نقد ادبی است که در آن با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روان‌شناسانه، متون ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از چهره‌های برجسته روان‌شناسی در قرن اخیر ویلیام گلسر (۱۹۲۵-۲۰۱۳) است که با طرح نظریه انتخاب، به‌عنوان تئوری پشتیبان روی‌کرد واقعیت‌درمانی، تغییرات مهمی در

روان‌شناسی به وجود آورد. نظریه انتخاب شیوه جدید « فکر » کردن و « عمل » کردن است. وقتی از نظریه انتخاب استفاده می‌کنیم سعی می‌کنیم تا، بدون تخریب روابطی که برایمان ارزشمندند، رفتارهایی را برگزینیم که ما را در رسیدن به خواسته‌هایمان یاری کنند. فاصله میان خواسته‌ها و داشته‌هایمان را به هم نزدیک و هماهنگ کنیم.

در این داستان ما با دو شخصیتی مواجهیم که هر یک دنیای مطلوب خود را دارند و تفاوت میان دنیای مطلوب این دو بسیار زیاد است اما در پایان داستان این تفاوت‌ها از بین می‌روند و هر یک در دنیای مطلوب دیگری جای می‌گیرد. بر اساس تئوری انتخاب همه ما دنیایی به نام دنیای مطلوب داریم که هسته اصلی زندگی ما است. این دنیا منبع تمامی انگیزه‌های خاص زندگی ماست. از آنجا که این مجموعه تجلی ذهنی دنیای ایده‌آل و مدینه فاضله هر یک از ماست به آن دنیای مطلوب می‌گویند. تصاویر دنیای مطلوب ما انگیزه واقعی تمامی رفتارهای ما در سراسر زندگی ما است با توجه به اینکه نیازهای ما منشأ ژنتیکی دارند این تصاویر اختصاصی توصیف شیوه مطلوب زندگی ما بوده است و اعمال ما را از تولد تا مرگ تعیین می‌کنند.

در این مقاله برآنیم تا به مطالعه داستان پیر چنگی در مثنوی بر اساس نظریه انتخاب بپردازیم. و پاسخی برای دو پرسش زیر بیابیم؟

با تأکید بر نظریه انتخاب چه مفهوم مشترکی از سیر و سلوک دو شخصیت متفاوت داستان، «پیر چنگی و عمر» قابل دریافت است؟

نحوه بازنمایی هر یک از مؤلفه‌های نظریه انتخاب در این داستان چگونه است؟

پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به‌ویژه در زمینه تحقیقات تطبیقی با روان‌شناسی مطالعات قابل توجهی انجام شده است؛ از میان پژوهش‌های انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مستعلی‌زاد و همکاران (۱۳۹۹). «تحلیل شاخصه‌های هوش معنوی در مثنوی مولوی با تأکید بر نظریه رابرت ایمونز».

- یمینی و همکاران (۱۳۹۹). «راهکارهای مولانا برای مقابله با ترس‌های مذموم در مثنوی با نگاهی به دیدگاه روان‌شناسان».

۱۴۱ - صفورا ترک لادانی و مریم حقی (۱۳۹۸). «انسان خودشکوفای: بررسی تطبیقی شخصیت در پیرچنگی و شعبده باز نتردام بر اساس کهن الگوی یونگ و الگوی روان شناسی آبراهام مزلو» - با موضوع نظریه انتخاب در مثنوی معنوی مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کارکرد تعلیمی رویکرد واقعیت درمانی و تئوری انتخاب گلسر در داستان شیر و نخجیران» در بهار ۱۴۰۲ در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.

- آناهیتا امینی و همکاران (۱۴۰۱)، «کارکرد تربیتی اسطوره فریدون و ضحاک بر مبنای تئوری انتخاب گلسر»

- احمد تمیم‌داری، همکاران (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی داستان جانانان مرغ دریایی و داستان مرغان در منطق الطیر عطار بر مبنای نظریه انتخاب گلسر».

روش تحقیق

در پژوهش حاضر که در حوزه تحقیقات نظری قرار دارد در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است.

مبانی تحقیق

تئوری انتخاب Choice Theory

ویلیام گلسر (William Glasser) در سال ۱۹۶۵ نظریه جدیدی در خصوص آسیب شناسی روانی، اختلالات رفتاری و روش درمان آن ارائه داد و آنرا «واقعیت درمانی» نامید. در این کتاب که واقعیت درمانی نامیده می‌شود منشأ اختلالات روان‌شناسی را مسئولیت‌گریزی و نادیده‌انگاری واقعیت عنوان کرد. او سپس در سال ۱۹۹۴ نظریه انتخاب را به عنوان تئوری پشتیبان رویکرد واقعیت‌درمانی ارائه کرد. تئوری انتخاب توضیح می‌دهد افراد چرا و چگونه رفتار می‌کنند؟ و تمام آنچه هر موجود زنده‌ای می‌تواند انجام دهد «رفتار» است و تمام آنها «رفتار کلی» اند. تمام رفتارها معطوف به هدف، انعطاف‌پذیر و خلاقند. تقریباً تمام رفتارها انتخاب می‌شوند. ما پیوسته در تلاش برای به دست آوردن کنترل بیشتر بر زندگی خود هستیم، و در هر لحظه به گونه‌ای رفتار می‌کنیم که تصاویر دلخواه‌مان را به دست آوریم. ما همواره از سوی ژن‌ها و از درون برانگیخته می‌شویم تا پنج نیاز اساسی خود را برآورده کنیم؛ نیاز به عشق و احساس تعلق، قدرت و پیشرفت، آزادی، تفریح و بقا. عشق و احساس تعلق پیش‌نیاز ارضای دیگر نیازهاست. (ر.ک: گلسر، ۱۳۹۹: ۲۴)

به طور خاص تئوری انتخاب در چهار اصل خلاصه می‌شود: نیازها، خواسته‌ها، ادراکات و رفتارها.

نیازها Needs

۱۴۲

گلسر می‌گوید: «به غیر از بقا که به میزان بسیاری وابسته به فیزیولوژی ماست، به لحاظ ژنتیکی این‌گونه برنامه‌ریزی شده‌ایم تا برای ارضای چهار نیاز روان‌شناختی ۱. عشق و احساس تعلق ۲. قدرت و پیشرفت ۳. آزادی ۴. تفریح تلاش کنیم» (گلسر: ۱۳۹۷، ۶۳) مفاهیم نیازهای اساسی انسان به شرح زیر است:

بقا Survival: «معنای این واژه سخت‌کوشی و پایداری و انجام هر کاری است که بقای فرد را تضمین می‌کند. جنبه دیگر بقا، بقای نوع بر پایه جنسی است که از منظر ژنتیک عمل کرد آن بسیار موفقیت آمیز بوده است.» (همان: ۶۹)

عشق Love و تعلق Belonging: همه ما به داشتن رابطه با دیگران نیازمندیم. گلسر می‌گوید «ژن‌های ما برای عشق‌ورزیدن یک نفر را می‌خواهد مهم نیست آن یک نفر چه کسی باشد.» (همان: ۷۴)

قدرت Power: در بین نیازهای انسان «نیاز به قدرت» نیازی متمایز است. «قدرت به معنایی که انسان‌ها دنبال آن هستند، یعنی قدرت برای قدرت، خاص نوع انسان است.» (همان: ۷۹) گلسر دو روش را برای ارضای این نیاز نام می‌برد:

الف) کنترل درونی Internal Control: هرگاه فرد تشخیص دهد رفتار کلی یا هر جزء آن او را به سمت ارضای نیازها و خواسته‌هایش سوق نمی‌دهد رفتار دیگری را انتخاب می‌کند.

ب) کنترل بیرونی External Control: فرد هیچ‌کنترلی بر عمل، فکر، احساس و یا حالت فیزیولوژیک خود ندارد.

آزادی Freedom: نیاز به آزادی یک نیاز تکاملی است که هدفش ایجاد توازن و تعادل بین دو نیاز رهایی و اجبار است. (ر.ک: ووبولدینگ، ۱۳۹۴: ۵۷) موارد مرتبط با آن استقلال، خودگردانی، انتخاب، و ... است.

تفریح Fun: تفریح نیروی ماندگار عظیمی است که همیشه تازه می‌ماند و هر زمان جهت تازه ای به خود می‌گیرد. و تقریباً محدودیتی برای شاد زیستن وجود ندارد. (ر.ک: گلسر، ویلیام و گلسر، کارلین، ۱۳۹۷: ۱۴۳)

خواست‌ها (= دنیای مطلوب Quality World)

«بر اساس تئوری انتخاب دلیل ادراکات متفاوت ما از واقعیت به دنیای مهم دیگری مربوط است که خاص هر کدام از ماست و آن را دنیای مطلوب می‌نامیم. این دنیای کوچک و شخصی از گروه کوچکی از تصاویر خاص تشکیل شده است که بیش از هر چیز دیگری می‌شناسیم این تصاویر بهترین راه ارضای نیازهای انسانی را به ما نشان می‌دهند و سه مقوله مشخص را در برمی‌گیرند: ۱- افرادی که بسیار دوست داریم با آنها باشیم. ۲- چیزهایی که بسیار دوست داریم داشته باشیم و تجربه کنیم. ۳- ایده‌ها یا نظام باورهایی که بر بخش بزرگی از رفتار ما حاکمند.» (گلسر، ۱۳۹۷: ۸۹ و ۹۰)

ادراک Preceive

ادراک و برداشت‌های ما وقایع بیرونی و واقعیت درونی را شکل می‌دهند. «پیامد ادراکی از ترکیب دو عنصر حاصل می‌شود: سطوح ادراک و دنیای ادراک شده. درون‌دادی که دوست داریم از دنیای خارج دریافت کنیم، ابتدا از طریق سیستم حسی و سپس از میان دو فیلتر مخصوص وارد مغزمان می‌شود که به واسطه یکی ادراک می‌کنیم (فیلتر دانش) و به واسطه فیلتر بعدی، درون‌داد ادراک شده را ارزش‌گذاری می‌کنیم. (فیلتر ارزش‌گذاری)» (ووبولدینگ، ۱۳۹۴: ۷۹)

رفتار Behavior

تئوری انتخاب می‌گوید: «همه آن چیزی که ما می‌توانیم از تولد تا مرگ انجام دهیم رفتار است، و همه رفتارها را باید به عنوان رفتار کلی در نظر گرفت که از چهار مؤلفه تشکیل شده است: عمل، فکر، احساس و فیزیولوژی که همیشه با اعمال، افکار و احساسات ما همراه است. از بین این چهار مؤلفه عمل و فکر ارادی هستند، و احساسات و فیزیولوژی غیر ارادی‌اند.» (همان: ۹۸ و ۹۹)

بحث

خلاصه داستان

این داستان از مطرب پیری حکایت دارد که نوای چنگش در جوانی غوغایی به پا می‌کرد و از قِبل صدای اسرافیل‌وار و نواختن چنگ، امرار معاش می‌کرد و صاحب نام و نان بود. با فرارسیدن ایام پیری، قادر نبود دخل و خرج خود را از این راه کسب کند و دچار تنگ‌دستی و

بدهکاری شد. او تصمیم گرفت برای حل مشکل فقر خود، چنگش را به گورستان برده و برای خدا بنوازد و از او طلب کمک کند. در گورستان در حین چنگ زدن به خواب می‌رود. در این زمان بر عمر نیز خوابی غالب می‌شود. عمر می‌خواهد و در خواب ندایی می‌شنود که او را مأمور به یافتن بنده‌ای خاص و محترم در گورستان و پرداختن هفت صد دینار به وی می‌کند. عمر به جست‌وجوی مرد مورد نظر به گورستان می‌رود ولی به جز پیر چنگی هیچ‌کس را در آنجا نمی‌بیند. زمانی که هیچ‌کس دیگری را نمی‌یابد به این یقین می‌رسد که شخص مورد عنایت خداوند پیر چنگی است. عمر نزد او می‌رود و با احترام پیام خداوند را به او می‌رساند. پیر به گریه می‌افتد و از خشم چنگ را بر زمین می‌زند و می‌شکند. در پایان داستان عمر او را به پایان دادن زاری و به مقام استغراق فرا می‌خواند و به توبه کردن از توبه کردن امر می‌کند.

مؤلفه‌های تئوری انتخاب در داستان پیر چنگی

نیازها

نیاز به عشق و احساس تعلق

در تئوری انتخاب عشق و احساس تعلق به‌عنوان منشأ رفتار تعریف می‌شوند و ما به‌طورذاتی خواهان آن هستیم. مولانا در ابتدای داستان بی‌تی را می‌آورد که از مضمون شعر می‌توان دریافت که در این داستان، مهمترین شرط مقبول درگاه حق واقع شدن، عشق است و بس..

چون شدی من کان لله از وله من تو را باشم که کان الله له

(مولوی، ۱۳۹۱، د ۱: ب ۱۹۳۹)

این بیت اشاره به حدیث «من کان لله کان الله له» دارد. (ر.ک: فروزانفر، ۱۳۶۱: ۱۹) مولانا در این بیت شرط عاشقی را «بودن برای خدا» می‌داند. در آیه بیست و ششم از بخش چهاردهم انجیل لوقا، آموزه شگفتی درباب وظیفه مطلق ما در برابر خداوند است: «اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران و حتی جان خود را نیز دشمن ندارد شاگرد من نمی‌تواند بود.» (کتاب مقدس، ۲۰۰۷: ۱۱۹۶) در این بیت و در این آیه به این موضوع اشاره شده است که خداوند طالب عاشقی پاک‌باز است. با چنین دیدگاهی است که مولانا به بیان داستان پیر چنگی می‌پردازد.

از نظر مولانا، تجربه غم بیشتر با هشیاری همراه است و تجربه شادی با غفلت. (ر.ک: نراقی، ۱۳۹۶: ۱۳۱) پیر رامش‌گر پس از مواجهه با فقر و تنگ‌دستی از خواب غفلت بیدار می‌شود و به

گفت‌وگو با خداوند می‌پردازد. در کلامش اثری از انتقاد، عیب‌جویی و سرزنش خود یا غیر مشاهده نمی‌شود. او آگاهانه مسئولیت رفتارهای گذشته خود را می‌پذیرد. یکی از برترین ویژگی‌های پیر چنگی این است که خودش را دوست دارد، از رفتارهای مخرب علیه خویش استفاده نمی‌کند و زمانی که به سختی می‌افتد بدون سرزنش و تخریب معشوق خود دست به انتخابی جدید می‌زند و با او به گفت‌وگو می‌نشیند. معشوقی که پس از گذر از روزهای خوش زندگی و فرارسیدن تنگ‌دستی و نیازمندی، در دنیای مطلوب او برجسته شده است. عشقی متفاوت در حال ورود به هستی اوست.

نیست کسب، امروز مهمان توام چنگ، بهر تو ز نم کان توام
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱: ب ۲۰۸۵)

پیر چنگی در ابتدا به امید دریافت بهای نوای ساز طرب‌انگیزش می‌نوازد. بعد از دیدار عمر، دریافت عطایای الهی و شنیدن پیام حق، نوع دیگری از عشق در وجود او متجلی می‌شود. هستی او به هستی الهی پیوند می‌خورد. برای نخستین بار نسبت به خود و عشق درونیش معرفت پیدا می‌کند. از چنبره خودپنداری رها می‌شود. مستی را با هشیاریش و خودی را با بی‌خودیش همراه می‌کند انتخاب نهایی خود را می‌کند و به مرحله‌ای می‌رسد که سازش را، که همه عشق، قدرت و هستیش بوده، می‌شکند تا خویشتن اصیلش را تحقق بخشد.

همچو جان، بی‌گریه و بی‌خنده شد جانش رفت و جان دیگر زنده شد
(همان: ب ۲۲۰۹)

ارادت پیر چنگی به محبوب ازلی، عنایت خداوند را در پی‌دارد. عنایتی که به گفته صاحب مرصادالعباد سالک صادق را از اسفل‌السافلین به اعلی‌العلیین می‌رساند. (رک: رازی، ۱۳۸۷: ۳۱۱)

بانگ آمد مر عمر را: کای عمر بنده ما را ز حاجت بازخر
بنده‌ای داریم خاص و محترم سوی گورستان، تو رنجه کن قدم
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱: ب ۲۱۶۲ و ۲۱۶۳)

پذیرفتن یک‌دیگر به همان شکل که هستیم یکی از مراحل دشوار عشق است. خداوند پیر چنگی را به همان صورت که بود می‌پذیرد و با شرایط او به توافق می‌رسد.

در قسمتی دیگر از داستان عشق به پیر چنگی در عمر متجلی می‌شود.

چند یزدان مدحت خوی تو کرد تا عمر را عاشق روی تو کرد
(مولوی، ۱۳۹۱، ۱۵: ب ۲۱۸۰)

خداوند پیام عاشقانه خود را به واسطه عمر به پیر چنگ‌نواز ارسال می‌کند. پیر چنگی چنان شور، شوق، جدیت و عشقی در کار خود داشت که خداوند نمی‌توانست خلوص آن عشق را نایده بگیرد.

حق سلامت می‌کند، می‌پرسدت: چونی از رنج و غمان بی‌حَدت
(همان: ب ۲۱۸۲)

نیاز به قدرت

پیر چنگی با قدرت جادوی صدا و چنگ خود همه را ارکان هستی از انسان‌ها تا پرندگان و مردگان را به تسخیر خود درآورده بود. و این هنرها نیاز به قدرت را او ارضا می‌کرد. این قدرت اغواگر تا هنگامی که جوان بود همراه او بود:

قدرت زمانی چهره بی‌وفا و ناپایدار خود را نمایان کرد که برف پیری بر رخسارش نشست. فقدان قدرت اقتصادی، جسمی و اجتماعی اگرچه هویت فردی او را به چالش می‌کشد اما او را مأیوس نمی‌کند. به قول اسپینوزا «منِ عظیم‌تری» را در وجود خود کشف می‌کند و بی‌باکانه قدرت عمل خود را در برابر نیروی برتر و باشکوه‌تری چون خداوند عرضه می‌کند.

نیست کسب، امروز مهمان توام چنگ، بهر تو زنم کان توام
(همان: ب ۲۰۸۵)

عمر نیز در برابر پیر چنگی قدرت را در بی‌قدرتی می‌بیند. سلاح تأدیب را رها می‌کند و سلاح رحمت را در بر می‌گیرد.

پس عمر گفتش مترس: از من مَرَم کت بشارت‌ها ز حق آورده‌ام
(همان: ب ۲۱۷۹)

نیاز به آزادی

در ابتدای داستان مولانا با طرح موضوع انواع نغمه‌ها و متمایز دانستن نغمه دل، ذهن خواننده را متوجه دنیایی فراسوی این دنیای مادی می‌کند و انسان‌ها را به آزادی و رهایی از محدودیت‌های این جهان فرا می‌خواند.

که پری و آدمی زندانی‌اند هر دو در زندان این نادانی‌اند
(همان: ب ۱۹۲۳)

پیر چنگی اولین بار در خوابی عمیق آزادی را تجربه می‌کند و به قول اسپینوزا از تمام
بندگی‌ها رها می‌شود. بندگی انگاره‌های شرطی شده و تکراری احساس و رفتار، بندگی ترس‌ها
و اضطراب‌ها، و... (ر.ک: گراسمن، ۱۴۰۰: ۳۶۵)

گشت آزاد از تن و رنج جهان در جهان ساده و صحرای جان
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱: ب ۲۰۹۰)

عمر را هم خوابی می‌گیرد که این خواب چشمش را به واقعیت می‌گشاید. این خواب موجب
برخاستن او از بستر یاهوها و کابوس‌ها و درآمدن به قلمرو آگاهی می‌شود. رسیدن به یقین
هشیارانه به نعمت بیداری. (ر.ک: ملکیان، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

بانگ آمد مر عمر را: کای عمر بنده ما را ز حاجت باز خر
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱: ب ۲۱۶۲)

پیر داستان مولانا علی رغم «احساس خدا» که در دنیای مطلوب او وجود داشته و علی‌رغم
«بذر دین» که در دنیای مطلوب او افشانده شده بود، علم و یقین درستی به خدا نداشت. پس از
خوابی که تجربه کرد و دیدار با عمر، در او احساسی نسبت به خداوند هویدا شده بود که در
گذشته اشتیاقی به بروز آن نداشت. او آزادانه دست به انتخابی ویران‌گر اما هستی‌بخش زد، که
به همان اندازه که هیجان‌انگیز بود، مسئولیتی دشوار و هول‌انگیز در پی داشت.

پیر چنگ‌نواز ناتوان از درک از رحمت‌ها و کرامت‌های بی‌کران الهی، گریه و فغان سر
می‌دهد. عمر او را به رهایی از گذشته‌اش فرا می‌خواند. از او می‌خواهد تا خود واقفیش را و به
قول رابرت ام. می «خود روحانی» اش را به فعلیت برساند. «خود روحانی آن «خودی» است که
در درون ماست. اختصاصی‌ترین ساحت هر شخصی است، و در عین حال، عمومی‌ترین
ساخت هم هست.» (ملکیان، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

راه فانی گشته، راهی دیگرست زانک هشیاری، گناهی دیگرست
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱، ب: ۲۲۰۰)

نیاز به تفریح

گلسر می‌گوید تفریح، پاداش ژنتیکی یادگیری است. ما وارثان کسانی هستیم که بهتر یا بیشتر

آموخته‌اند. این بهتر یا بیشتر آموختن به آنان مزیت حفظ بقا و زنده ماندن داده است. بهترین نشانه تفریح و نشاط خنده است. افرادی که عاشق هم می‌شوند درباره یکدیگر چیزهای بسیاری می‌آموزند و اغلب وقتی با هم هستند خود را در حال خنده می‌بینند. (ر.ک: گلسر، ۱۳۹۸: ۸۵) در درون ژن‌های پیر چنگی همچون همه انسان‌ها نیاز به تفریح نهفته بود. او در گذشته به واسطه مستمعینش این نیاز را در خود ارضا می‌کرد. اما او بعد از نواختن برای خداوند و فرورفتن به خوابی عمیق، سیر و سلوکی را بی‌نظیر را تجربه می‌کند؛ معرفتی را دریافت می‌کند که نسبت به آن درکی نداشت. این معرفت او را به بلوغی در نشاط و سرمستی می‌رساند. که آن را در هیچ جای دیگری نمی‌یابد. شهودی عارفانه در او شادی‌های پاک کودکانه را هویدا می‌کند.

جان او آن‌جا سرایان ماجرا کاندیرین جا گر بماندندی مرا
بی‌پر و بی‌پا سفر می‌کردمی بی‌لب و دندان، شکر می‌خوردمی
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱، ب: ۲۰۹۱-۲۰۹۳)

نیاز به بقا

واژه اسپانیولی Ganas (به معنای شور زندگی) بهتر از هر واژه دیگری میل شدید به حفظ بقا را نشان می‌دهد. معنای این واژه سخت‌کوشی و انجام هر کاری است که بقای فرد را تضمین می‌کند و فراتر از بقا یعنی دستیابی به امنیت است. (ر.ک: گلسر، ۱۳۹۸: ۶۹) چنگ‌نواز پیر هنگامی که امنیت اقتصادی خود را در خطر می‌بیند شور و شوق خود را برای ادامه زندگی از دست می‌دهد اما نومید نمی‌شود. کشمکش و تمایلی درونی او را به تغییر دادن موقعیش برمی‌انگیزد. او هشیارانه و آگاهانه انتخابی دیگر را در پیش می‌گیرد. به امتحان رابطه خود و خدایش می‌پردازد و تصمیم می‌گیرد این بار چنگ را برداشته، به گورستانی رفته و برای خداوند بنوازد. انتخابی که کارساز واقع می‌شود و شوری دیگر در او برمی‌انگیزد و بقای مادی و معنوی او را در پی دارد.

خواسته‌ها

در دنیای مطلوب پیر چنگی خداوند نقش کم‌رنگی داشت و او در غفلت از او روزگار را سپری می‌کرد. بوئتیوس می‌گوید: در دیگر موجودات زنده غفلت از خود جزء طبیعت است؛ لکن در انسان این غفلت رذیلت است. (ر.ک: ملکیان، ۱۳۸۶: ۱۳۷) وقتی گذشت زمان گرد فقر و پیری را بر رخسار زندگی او نمایان می‌سازد، بسیاری از نقش‌ها در دنیای مطلوب او تغییر

ماهیت و هویت می دهند. خداوند در دنیای مطلوب او رنگ روشن عشق، محبت، هم‌دلی و هم‌راهی را می‌پذیرد و تصمیم می‌گیرد تا برای او بنوازد:

نیست کسب، امروز مهمان توام چنگ، بهر تو زنم کان توام

(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱، ب: ۲۰۸۵)

در دنیای مطلوب عرفا رؤیا جای‌گاه برجسته‌ای دارد. گاه بعضی از رؤیاها برای همیشه زندگی‌شان را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. رؤیاهای صادقانه چشمگیرترین وجه نمودی عالم مثال یا خیال است که در آن صور خیالی بی‌آن‌که تغییر شکلی پیدا کنند، به‌وضوح در شعور آدمی آشکار می‌شوند. (ر.ک: اسپرهم، ۱۴۰۱: ۱۳۰) او زمانی که تصمیم می‌گیرد ابریشم بهای خود را از خداوند دریافت کند سفری معنوی را در رویا تجربه می‌کند که مقدمه اتفاقات بعدی و به تبع آن دگرگونی زندگی اوست.

خواب بردش، مرغ جانش از حبس رست جنگ و چنگی را رها کرد و بجست
در جهان ساده و صحرای جان گشت آزاد از تن و رنج جهان
جان او آنجا سرایان ماجرا کاندرا اینجا گر بمانندی مرا
خوش بدی جانم درین باغ و بهار مست این صحرا و غیبی لاله زار
چشم بسته عالمی می‌دیدمی ورد و ریحان بی‌کفی می‌چیدمی

(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱، ب: ۲۰۸۹ - ۲۰۹۵)

این رویا و این سلوک عاشقانه چنان تأثیر عمیقی در دنیای مطلوب او باقی می‌گذارد که وقتی بیدار می‌شود آرزو می‌کند که ای کاش در همین جا و همین مرتبه مرا نگه می‌داشتند. هم‌زمان با پیر چنگی در دنیای مطلوب عمر هم بسیاری از معانی تغییر می‌کند. او در رؤیایی مشاهده می‌کند که خداوند او را به مأموریتی به گورستان شهر می‌فرستد و از او می‌خواهد تا یکی از بندگان خاصش را دریابد:

بانگ آمد مر عمر را: کای عمر بنده ما را ز حاجت بازخر

(همان: ب ۲۱۶۲)

این رؤیا در دنیای مطلوب عمر جای می‌گیرد و او را روانه گورستان شهر می‌کند تا بنده خاص خدا را بیابد. عمر که برای اجرای قوانین شریعت، احکام دینی و حدود الهی به سختگیری مشهور بوده، پس از پیدا کردن پیر چنگی نقاب از چهره عبوس و عتاب‌آمیز خود برمی‌دارد و این بار با رخی گشاده حامل پیام عشق، رحمت و برکت الهی می‌شود. «نقاب

نمای بیرونی و شخصیتی است که شخص با آن در اجتماع جلوه‌گر می‌شود و به آن تظاهر می‌کند.» (فورد هام، ۱۳۵۶: ۸۹) خداوند نقاب از چهره پیر چنگی نیز می‌زداید و عمر، این بار، او را نه به عنوان پیری رامشگر مطرود درگاه الهی که بنده‌ای برگزیده و مؤید به لطف و رحمت الهی می‌نگرد. در واقع نقاب واسطه بین «من» یا «ایگو» با دنیای واقعی یا بیرونی است. (ر.ک: فدایی، ۱۳۸۱: ۳۷) عمر هم کسی است که در برابر پیر چنگی نقاب برمی‌گیرد چهره‌ای دیگر از خود را ارائه می‌دهد. خداوند او را به مأموریتی می‌فرستد و تصویری از او در برابرش می‌گشاید که برای خود عمر هم ناآشناست. «نقاب کهن‌الگوی هم‌رنگی است. فرد به واسطه نقاب می‌تواند نقشی را که الزاما نقش واقعی او نیست ایفا کند. معمولا این نقاب به طور عمدی یا غیرعمدی، به خاطر رعایت و هم‌سوئی با اقتضای زمان روی صورت شخصیت‌ها قرار می‌گیرد. گاهی این نقاب در جهت هم‌گامی و درک جامعه ضروری به نظر می‌رسد.» (جانی، ۱۴۰۱: ۳۳۵)

ادراک

بر عمر خوابی نابه‌هنگام غلبه کرده بود که رازش را نمی‌دانست. اما این واقعیت درونی را درک می‌کرد که در ورای این خواب بی‌هنگام حقیقتی نهفته است. عمر به خواب می‌رود تا واسطه عالم واقع و حقایق قرار گیرد. او در خواب می‌بیند خداوند او را برگزیده تا به یکی از بندگان یاری رساند. فهم این انتخاب‌ها و این مسئولیت برای عمر دشوار است. میان آنچه عمر واقعیت می‌دانسته و خداوند حقیقت می‌خواند فاصله‌ای بسیار است. پیر چنگی در حال گشت‌وگذار در بهشت الهی است که با عطسه عمر بیدار می‌شود. در دنیای ادراکی او عمر محتسبی خوفناک در اجرای تعزیرات الهی بود. روح الهی بر این بود تا لطف خود را در هیبت مردی غضبناک بنماید و از سوئی لطف خود را بر پیری آوازخوان و چنگ نواز ارائه دهد. خداوند آن دو را برگزیده است تا بت‌های تعصب و جمود را در آنان بشکند.

در این داستان رفتارها نموده‌های بسیاری دارند. رفتن پیر چنگی به گورستان، به خواب رفتن پیر چنگی، رفتن عمر به گورستان، دیدار عمر و پیر چنگی و شکستن چنگ همه رفتارهایی هستند که تاویل پذیرند.

مسئولیت‌پذیری

در این داستان مسئولیت‌پذیری در سطوح مختلف قابل مشاهده است. مسئولیت‌پذیری از سوی پیر چنگی در دو کنش و گفتمان نیایش و توبه متبلور می‌شود. ابتدا در نیایشی عاشقانه با

خداوند وارد گفت‌وگو می‌شود و با پذیرش خردمندانه اشتباه خود، از گذشته‌اش ابراز ندامت می‌کند. «دعا و نیایش، قبل از آن‌که ابزار زندگی باشند، ابراز بندگی‌اند. پیش از آن‌که خواهش تن را ادا کنند، حاجت دل را روا می‌کنند، و برتر از آن‌که سفره نان را فراخی بخشند، گوهر جان را فربهی می‌دهند.» (سروش، ۱۳۸۸: ۷) پیر چنگ‌نواز بزمی خصوصی را تدارک دیده و خطاب به خداوند می‌گوید:

نیست کسب، امروز مهمان توام چنگ، بهر تو زخم کان توام
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱: ب ۲۰۸۵)

سروش دباغ نیایش را به شش شق تقسیم می‌کند: «نیایش مخاطبه‌محور، عرفانی، حکیمانه، آرزومندانه، همچنین نیایش معنوی و نیایش ناواقع‌گرایانه. وجوه مشترک همه این نیایش‌ها جهانی مستقل از ذهن و روان و زبان نیایش کننده است. در تمامی این نیایش‌ها وجه مشترکی قابل مشاهده است؛ تغییراتی که در دنیای درون یا برون رخ می‌دهد انسان را وامی‌دارد که رابطه‌اش را با خداوند توسعه دهد، با او گفت‌وگو کند.» در ابتدا نیایش پیر چنگی با خداوند نیایشی «مخاطبه‌محور»، تخاطبی و دیالوگی است. که در آن با موجودی مشخص، متعالی و انسان‌وار گفتگو می‌کند؛ آنچه مارتین بوبر از آن به رابطه «من» - «تو» تعبیر می‌کند که بیرون از ذهن و روان اوست. به تعبیر دیگر، مخاطبه واقعی است. دو طرف دارد؛ گفته می‌شود و شنیده می‌شود.» (سروش دباغ نقل از سایت دین آنلاین) فرمان خداوند به عمر بر مبنای نیایش مخاطبه‌محور پیر چنگی با خداوند شکل گرفته است. از این مرحله به بعد او به نوعی دیگر با خدا گفت‌وگو می‌کند. کلام او حکیمانه می‌شود. او ابریشم‌بها طلب نمی‌کند. عشق را طلب می‌کند. با آگاهی از انتخاب‌های خود، فرصت‌های از دست رفته و مسئولیت‌پذیری خدا را خطاب قرار می‌دهد. نیایش او رنگ معنوی می‌گیرد.

بانگ می‌زد کای خدای بی‌نظیر بس، که از شرم آب شد بیچاره پیر
(مولوی، ۱۳۹۱، د: ۱: ب ۲۱۸۵)

پیر چنگی که در گفت‌وگوی اولیه با خداوند هیچ ترس یا خشمی مشاهده نمی‌شود، بعد از این که پاسخ نیازش را با ادب و آدابی ملوکانه دریافت می‌کند، احساس گناهی همراه با شرم بر او چیره می‌شود. «هیجاناتی نظیر احساس گناه و شرم، احساس غرور یا خجالت را هیجان‌ات خودهشیار می‌نامند. هیجان‌ات خودهشیار، احساساتی هستند که در سایه شکل‌گیری «من» یا

«خود» ظاهر می‌شوند. این هیجان‌ات محصول خودتأملی و ارزیابی خود هستند و در خود نظم‌بخشی نقش دارند و در خصوص افکار، اعمال، و نیت «خود» یا «من» بازخوردهای مهمی ایفا می‌کنند.» (قربانی، ۱۳۹۲، ۹۷) او با تأمل در خود تحول یافته‌اش از خود ناخشنود است و نارضایتی‌اش را در شکستن سازش که همه هویت او بوده است نشان می‌دهد.

ای خیر هات از خبرده بی‌خبر توبه تو از گناه تو بت‌تر
ای تو از حال گذشته توبه‌جو کی کنی توبه ازین توبه؟ بگو
(مولوی، ۱۳۹۱، ۱: ۱۰؛ ب ۲۲۰۵ و ۲۲۰۶)

بازگشت اولیه پیر چنگی به سوی خدا از روی درماندگی است، اما بازگشت ثانویه او برای باززایی خود است. در این مرحله او احساس گناه اگزستانسیال را تجربه می‌کند. هیجان مثبت و سازنده‌ای که بیان‌گر «ادراک تفاوت میان آنچه هست و آنچه باید باشد» است. (ر، ک: تیک، ۱۴۰۰، ۶۱) اگرچه فرایند تغییر انتخاب در پیر چنگی به سرعت و در لحظه‌ای انجام می‌شود اما به قول کیرکگور او انتخاب «مطلق» خود را می‌کند. توبه آخرین مرحله پذیرش مسئولانه انتخاب‌ها و بازگشت آگاهانه از گذشته است. ابراز ندامت او برای نسیانش است نه عصیان‌ش.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سیر و سلوک پیر چنگی را از ابتدا تا انتها بر مبنای نظریه انتخاب گلسر بررسی کردیم. و به نتایج زیر دست‌یافتیم:

مولانا در این داستان در گزینشی خردمندانه، به واسطه خداوند، دو شخصیت را در برابر هم قرار می‌دهد. یکی محتسب متشرع و دیگری نوازنده آوازخوان. هر دو پایه‌پای هم سلوکی عارفانه را آغاز می‌کنند و به پایان می‌رسانند. نقاب از چهره هر دو برداشته می‌شود و به درکی تازه از یک‌دیگر می‌رسند.

هر دو با تغییر دنیای مطلوبشان به وحدتی عارفانه و عاشقانه دست می‌یابند. در پیر چنگی ابتدا مؤلفه بقا برتری دارد و سپس در مواجهه با عمر و دریافت پیام الهی مؤلفه عشق نمایان می‌شود. پس از شکستن چنگ، مؤلفه آزادی جای‌گزین همه مؤلفه‌های پیشین می‌شود.

در عمر ابتدا مؤلفه قدرت چیرگی دارد، پس از دریافت پیام الهی و مشاهده پیر چنگی مؤلفه عشق برتری می‌یابد. در ادامه در ایفای نقشش به‌عنوان پیر راهبر همچنان مؤلفه قدرت در او نیرومند است.

در این داستان، توبه، دعا و نیایش گفتمان‌هایی حاکی از تغییر انتخاب در رابطه با خداوند هستند. عمر با واقعیت‌پذیری و پیر چنگی با مسئولیت‌پذیری به بازرزایی خود می‌پردازند.

منابع

کتاب‌ها

- کتاب مقدس. (۲۰۰۷). انتشارات ایلام.
- اسپرهم، داود. (۱۴۰۱). تمثیل، خیال و تأویل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- اندرسون، سوزان لی. (۱۳۸۵). فلسفه کیرگگور، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- تیبیک، محمدتقی. (۱۴۰۰). بازسازی دین‌نگاهی به روان‌شناختی توبه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۷). مرصادالعباد، به اهتمام امین ریاحی، تهران: علمی فرهنگی.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۸). حدیث بندگی و دلبردگی، تهران: صراط.
- فدایی، فرید. (۱۳۸۱). یونگ و روان‌شناسی تحلیلی او، تهران: دانژه.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۶۱). احادیث مثنوی، تهران: امیرکبیر.
- فریدا، فوردهام. (۱۳۵۶). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ، ترجمه مسعود میربها، تهران: اشرفی.
- قربانی، نیما. (۱۳۹۲). من به روایت من، تهران: بینش نو.
- گراسمن، نیل. (۱۴۰۰). روح اسپینوزا (شفای جان)، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران: دوستان.
- گلسر، ویلیام. (۱۳۹۷). درآمدی بر روان‌شناسی امید‌تئوری انتخاب، مترجم علی صاحبی، تهران: سایه سخن.
- گلسر، ویلیام. (۱۳۹۹). چارت‌تئوری انتخاب، مترجم علی صاحبی، تهران: سایه سخن، چاپ پنجم.
- گلسر، ویلیام، و گلسر، کارلین. (۱۳۹۷). عشق چیست؟ ترجمه علی صاحبی و حشمت اباسهل، تهران: سایه سخن.

ملکیان، مصطفی (ترجمه). (۱۳۸۶). *سیری در سپهر جان (مقالات و مقولاتی در معنویت)*، تهران: نگاه معاصر.

مولوی. جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۹۱). *شرح جامع مثنوی معنوی*، کریم زمانی دفتر اول، تهران: اطلاعات.

نراقی، آرش. (۱۳۹۶). *آینه جان*، تهران: نگاه معاصر.

ووبولدینگ، رابرت. (۱۳۹۴). *واقعیت درمانی برای قرن بیست و یکم*، ترجمه حسین زیرک و علی صاحبی، تهران: سایه سخن.

مقالات

جانی، مینا، و عقدایی، تورج. (۱۴۰۱). تحلیل مؤلفه های فردیت یونگی در داستان زندانی مفلس از مثنوی معنوی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۴ (۵۱) ۳۲۰-۳۴۰. doi:10.30495/dk.2022.1968966.2598

سایت

<http://www.dinonline.com>

References

Books

- Esperham, Daoud. (2022). *The parable of imagination and interpretation*, Tehran: Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Forozanfar, Badi al-Zaman. (1982). *Masnavi Hadiths*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Ghorbani, Nima. (2013). *Me according to my narration*, Tehran: New Vision. [In Persian]
- Glaser, William. (2019). *Choice theory chart*, Trans. Ali Sahibi, Tehran: Sayeh Sokhon. [In Persian]
- Glaser, William, & Glasser, Carlene. (2018). *What is love?* Trans. Ali Sahibi and Heshmat Absahl, Tehran: Sayeh Sokhon. [In Persian]
- Glaser, William. (2017). *An introduction to the psychology of hope in choice theory*, Trans. Ali Sahibi, Tehran: Sayeh Sokhon. [In Persian]
- Grossman, Neal. (2021). *Spirit of Spinoza (healing of the soul)*, Trans. Mustafa Malekian, Tehran: friends. [In Persian]
- Malekian, Mustafa (translation). (2008). *Siri der Sepehr Jan (articles and topics in spirituality)*, Tehran: contemporary view. [In Persian]
- Naraghi, Arash. (2016). *Aineh Jan*, Tehran: Negah Ma'azer. [In Persian]
- Razi, Najmuddin. (2008). *Mursad al-Abad*, by Amin Riahi, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Soroush, Abdul Karim. (2008). *Hadith of servitude and affection*, Tehran: way. [In Persian]

Tabariz, Mohammad Taqi. (2021). *Reconstructing religion, looking at the psychology of repentance*, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Persian]

Wobolding, Robert. (2015). *Reality therapy for the 21st century*, Trans. Hossein Zirak and Ali Sahibi, Tehran: Sayeh Sokhon. [In Persian]

۱۵۵ Yalom, Ervin D. (2018). *Existential psychotherapy*, Trans. Sepideh Habib, Tehran: Nei. [In Persian]

Zamani, Karim. (2012). *The comprehensive description of the spiritual Masnavi, the first book*, Tehran: Information. [In Persian]

Articles

Jani, M., & Aghdai, T. (2022). Analysis of the components of Jungian individuality in the story of the penniless prisoner from the Masnavi Manawi. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 14(51) 320-340. doi:10.30495/dk.2022.1968966.2598. [In Persian]

Website

<http://www.dinonline.com.Soroush> dabaq. The hidden core of tamasha/reflection in all kinds of prayers.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 17, Number 64, Summer 2025, pp. 138-156

Date of receipt: 23/9/2023, Date of acceptance: 27/12/2023

(Research Article)

DOI:

Analysis of the story of Pierre Changi based on Glazer's choice theory
Anahita Chitgarzadeh¹, Dr. Nezhat Nouhi², Dr. Touraj Aghdaie³, Dr. Hossein Arian⁴

۱۵۶

Abstract

This research aims to compile the behavior pattern of two prominent characters in the story, Pir Changi and Omar, based on choice theory, in an analytical-descriptive way, based on William Glaser's choice theory. William Glaser (1925-2013) is an American theorist who, by presenting the theory of choice, played an important role in changing the psychology of external control to internal control with an emphasis on responsibility, realism and choice. Selection theory says that all that comes from us is behavior and almost all behavior is selected and that we are always motivated by genes and from within to fulfill our five basic needs: The need for love and a sense of belonging, power and progress, freedom, fun and survival. In examining and analyzing this story based on the theory of choice, we found that in the process of the story, there is a change in the desired world of both the characters of the story. Omar with realism and Pir Changi with responsibility create a new manifestation of each other and God in their album of mental images. In life, the element of power turns into love, and in old age, the element of survival turns into love. Rereading the story of Pir Changi by using the "choice theory" helps us to understand more deeply other dimensions of the world of meaning intended by Rumi.

Keywords: choice theory, old age, life, ideal world, love, freedom.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. anahita.chitgarzadeh@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. (Corresponding Author) nnoohi@iau.ac.ir

³ . Associate Professor, Department of Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. Dr.aghdaie@gmail.com

⁴ . Assistant Professor, Department of Language and Literature, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. arian.amir20@gmail.com